

از کارگاه تا دانشگاه

پژوهشی در نظام آموزشی استاد - شاگردی
و تبدیل آن به نظام دانشگاهی در نقاشی ایران

یعقوب آژند

(استاد دانشگاه تهران)



زمستان ۱۳۹۱

سرشناسه	آژند، یعقوب، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	از کارگاه تا دانشگاه: پژوهشی در نظام آموزشی استاد - شاگردی و تبدیل آن به نظام دانشگاهی در نقاشی ایران / یعقوب آژند.
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۱۸۲ ص، مصور.
شابک	۳ - ۱۸۰ - ۲۳۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا.
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	نقاشی - ایران - راهنمای آموزشی - تاریخ.
شناسه افزوده	موضوع: هنر - ایران - راهنمای آموزشی.
رده‌بندی کنگره	فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
رده‌بندی دیویی	۱۳۹۱ / ۴۴۴ / ۹۸۰ ND
شماره کتابشناختی ملی	۷۵۹/۹۵۵ ۳۰۹۹۳۰۸



مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»

از کارگاه تا دانشگاه

یعقوب آژند

ویراستار: مریم موسوی خامنه

صفحه‌آرا: میثم وادمهر

طراح جلد: رفعت هاشمی سی‌سخت

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۵۰۰۰ ریال

چاپ دیجیتال فرهنگستان هنر

ISBN: 978-964-232-180-3

شابک: ۳ - ۱۸۰ - ۲۳۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

نشانی مؤسسه: تهران - انتهای خیابان فلسطین جنوبی - خیابان لقمان ادهم - بن بست بوذرجمهر - شماره ۲۴ - مؤسسه تألیف،

ترجمه و نشر آثار هنری «متن»: تلفن: ۶۶۴۹۸۶۹۲-۲ - دورنگار: ۶۶۹۵۱۶۶۲ - صندوق پستی: ۱۳۷۷ - ۱۳۱۳۵

پست الکترونیک: art.publishing@yahoo.com

نشانی فروشگاه مرکزی: خیابان ولی عصر - نرسیده به چهارراه طالقانی - شماره ۱۵۵۰ - ساختمان مرکزی فرهنگستان هنر.

تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۰

نشانی فروشگاه اینترنتی: www.matnpublishers.ir

فهرست مطالب

پیش از هر چیز..... ۱

فصل اول: آموزش هنر

کلیات..... ۵

سیر تکوینی آموزش هنر..... ۷

فصل دوم: نظام سنتی استاد - شاگردی در نقاشی ایران

دو سویگی کار نقاشان..... ۱۳

شکل‌گیری صنف نقاشان..... ۱۶

آموزش صنف نقاشان..... ۲۰

جمع‌بندی..... ۲۴

فصل سوم: تشکیلات هنری ایلخانان و جلایریان (۶۵۶-۸۱۳ ق)

درآمد..... ۲۷

کتابخانه‌های دوره ایلخانان..... ۲۹

کتابت‌خانه..... ۳۲

صورتخانه..... ۴۰

جمع‌بندی..... ۴۲

فصل چهارم: تشکیلات هنری تیموریان (۸۰۷-۹۱۱ ق.)

درآمد..... ۴۵

کتابخانه همایونی شیراز: درآمدی بر تشکیلات هنری تیموری..... ۴۶

کتابت‌خانه و صورتخانه در دوره تیموریان..... ۴۹

دوره پیشین مکتب هرات..... ۴۹

موقع: آموزش عملی و نظری هنر..... ۵۴

۶۲	دوره پسین مکتب هرات
۷۰	جلوه‌های نظام استاد - شاگردی در نقاشی
۷۶	جلوه‌های نظام استاد - شاگردی در خطاطی
۸۴	جمع‌بندی

فصل پنجم: تشکیلات هنری صفویان

۸۹	دوره شاه اسماعیل
۹۲	دوره شاه طهماسب
۹۴	کتابخانه ابراهیم میرزا
۹۶	کتابخانه سلطنتی
۹۹	کلانتران کتابخانه سلطنتی
۱۰۴	بیوتات سلطنتی
۱۰۵	جباخانه
۱۰۶	تشکیلات اجرایی نقاشخانه
۱۰۸	جمع‌بندی
۱۰۸	صادقی‌بیک افشار و آموزش هنر نقاشی

فصل ششم: تشکیلات هنری دوره قاجار

۱۱۵	درآمد
۱۱۷	در آستانه نظام مدرسه‌ای (۱۱۹۹-۱۲۶۴ ق.)
۱۱۸	نقاشخانه
۱۲۱	شکل‌گیری نظام مدرسه‌ای (۱۲۶۴-۱۳۲۴ ق.)
۱۲۲	نقاشخانه دولتی (نخستین مدرسه)
۱۲۵	دارالفنون
۱۲۷	تکوین نظام مدرسه‌ای (۱۳۲۹-۱۳۴۵ ق.)
۱۲۷	مدرسه صنایع مستظرفه
۱۳۰	از مدرسه تا دانشگاه (۱۳۱۹ شمسی به بعد)
۱۳۲	از هنرکده تا دانشکده هنرهای زیبا
۱۳۴	اساسنامه هنرکده
۱۳۵	شکل‌گیری دانشکده هنرهای زیبا
۱۳۹	کلام آخر
۱۴۶	افزوده
۱۴۷	قوت و نظام استاد - شاگردی

۱۵۷	کتابنامه
۱۶۳	نمایه

پیش از هنر چیر

هنر همواره دو وجه کلی داشته است: قریحه و طبع هنری و تربیت و پرورش آن. آنچه این قریحه هنری را هدفمند و جهت‌دار می‌کرده، آموزش و تربیت آن بوده است. اگر بعضی از انسانها قریحه هنری یا به قول افلاطون نوعی «جنون ربوبی» داشته‌اند، پس وجه دوم آن یعنی تربیت و پرورش هنری در حقیقت نوعی ساز و کار عملی بوده که هنرمند از طریق آن بر ابعاد و عمل هنر خود می‌افزوده است. حتی بعضی از اندیشه‌وران از این هم فراتر رفته و هنر را صرفاً یک فرایند تعلیمی دانسته‌اند این افراد معتقدند انسان بدون داشتن طبع و قریحه هنری هم می‌تواند به فراگیری هنر بپردازد و هر مایه این فراگیری وسیع و پر دامنه باشد، عمق آثار پدید آمده نیز بیشتر خواهد بود. تاریخ فراگیری و آموزش هنر شاید به قدمت خود هنر باشد. به یک معنا، هنر را تغییر و تحولی دانسته‌اند که بشر در پدیده‌های پیرامونی طبیعی خود پدید می‌آورد. یعنی از زمانی که بشر برای تامین امکانات مادی و زیستی خود سنگ را صیقل داده و آن را به صورت یک وسیله هدفمند درآورده، دست به کار هنری زده است. طبیعتاً در این تغییر و تبدل علاوه بر قریحه و طبع هنری آموزش و یادگیری نیز در کار بوده است. از این رو بشر از همان آغاز تولید آثار هنری، آموزش را نیز در کنار تولید همواره مد نظر داشته است.

آموزش هنر از ایام باستان تا روزگار رنسانس در یک محدوده بسته و به گونه درون گروهی در جامعه صورت می‌گرفت و وجه همگانی و عمومی نداشت یا کمتر داشت. البته این نوع نگرش معلول عوامل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جوامع مختلف انسانی بود. جامعه ایران هم در مسیر تاریخی خود از این قاعده مستثنی نبوده و در کنار تولید آثار هنری، در کار آموزش و تعلیم آن نیز بوده است. فرایند تولید آثار هنری و آموزش هنر در محیطی بسته و محفلی خصوصی صورت می‌گرفت که آن را می‌توان به نظام استاد - شاگردی تعبیر کرد.

واقعیت این است که از سده هشتم هجری به بعد آموزش هنر در ایران در اختیار مکتبهای هنری قرار گرفت چون بیشترین بخش خلق آثار هنری و حمایت از آن به دست دربار و اشراف و اعیان درباری افتاد. این نوع آموزش نه تنها از موارث هنری نگهداری می کرد بلکه خلاقیت هنری را نیز بسط می داد، از سوی دیگر جامعه ایران در هر دوره ای، به هر تقدیر، نیازمند هنرمند و شکل گیری نسلهای جدید آنها بود. این آموزش با نظام خاصی از همکاری همبسته ارتباط داشت که در جوامع کهن به نظام آموزشی استاد - شاگردی تعبیر می شد. هنگامی که شیوه آموزشی استاد - شاگردی از کارگاه به مدرسه انتقال یافت، هنرمند دیگر قابل مقایسه با پیشه ور و یا هنرور نبود بلکه انسان با فرهنگ و فرهیخته ای بود که نه فقط فنون هنری بلکه سبکها و شیوه ها و مکاتب آن را نیز می آموخت و می آموزاند.

فرایند تبدیل نظام استاد - شاگردی به نظام مدرسه ای در ایران، البته طبق شرایط و مقتضیات اجتماعی، در دوره قاجار رخ داد، ولی مقدمات آن تقریباً از دوره صفویان فراهم شده بود. این نقل و انتقال فرهنگ هنری در پی شکل گیری و دگرسانی اشکال فرهنگی و اجتماعی صورت گرفت. گفتنی است که به دنبال تکوین شیوه های عمومی آموزش هنر در بستر تحول تاریخی، هنر و فرایند تکوینی آن هم رخ داد. در این جریان هنری شرایط اجتماعی هنرمند نیز تغییر یافت و آثار او در جامعه پذیرفته و ادراک شد و دست به دست گشت و با دقت نگهداری شد و این پدیده نیز در آموزش هنر تأثیری درخور داشت.

پژوهش حاضر، به لحاظ منابع، موضوعی است تنگ دامنه و در عین حال پر دامنه؛ و این مقوله خاصیت کمالیابی پژوهش را به مخاطره می اندازد و حق مطلب را تا حدودی محدود و مخدوش می کند. آموزش هنر در بستر تاریخی جامعه ایران به سبب اطلاعات نادر و دشواریاب، مطلب را به تخمین و تقریب و تحلیل می کشاند و میزان رسایی و استحکام نوشته را ناهموار می سازد. ظاهراً همین دلیل بس، که تاکنون کسی از ارباب تحقیق و تتبع وارد این وادی نشده و قلم خود را در این قلمرو نیازموده است. نگارنده به منظور رسیدن به نتیجه ای مطلوب پایه کار را به یک طرح کلی و بهره گیری از منابع گوناگون تاریخی، ادبی، اجتماعی و هنری نهاد و برای یافتن و باز نمودن برخی از امکانات آموزشی هنر - به ویژه نقاشی - به بازبینی و بازکاوی منابع مختلف پرداخت. برای پرهیز از پریشانی مطلب، طرحی پیش اندیشیده و حساب شده فراهم شد تا بر پایه آن حد و حجم موضوع و مطلب روشن و شفاف شود. نظر به همین معنا،

پیش از هر چیز، طرح کلی مسئله مطرح و کلیاتی در باب آموزش هنر گفته شد که به هر حال از حیث میدان مفاهیم و ضرورت تاریخی، جامعه ایران را نیز شامل می‌شود. مهمترین مسئله‌ای که ذهن نگارنده را به خود واداشته بود نهادهای رسمی هنری ایران بود که آموزش و تربیت هنری از آنها برون می‌جوشید. از این‌رو بنیادها و نهادهای هنری رسمی دربارها به عنوان محلی ممکن برای حصول اطلاعات هنری مطمح نظر قرار گرفت، به‌ویژه که از سده هشتم هجری به بعد اطلاعات بسنده در باب آنها را گرچه پراکنده، می‌توان به دست آورد. جالب نظر اینکه در نهایت از دل همین بنیادها و نهادهای رسمی و درباری هنری بود که نخستین طلیعه آموزش مدرسه‌ای سر برکشید و آموزش هنر را در جامعه ایران همگانی کرد.

از آنجا که موضوع به هنر مرتبط بود آن هم از نوع تجسمی آن یعنی نقاشی، از این‌رو مطلب با تصاویر شایسته و مناسب آراسته شد و شاید مناسب‌ترین تصاویر در این مقام، صحنه کارگاه هنری و مدارس و شاگردان و استادان و یا تصاویر خود هنرمندان، چه از نوع آرمانی و چه واقعی آن، باشد که دامنه مطلب را دلپذیر می‌سازد. از این‌رو تصاویر برگزیده، به یک اعتبار، ارتباطی تنگاتنگ با کارکرد نهادهای هنری دارد و به اعتبار دیگر، بر لطافت و ملاحظت مطلب افزوده است. بازیابی این تصاویر از منابع پراکنده و گوناگون خود حدیث دیگری است. یک نوشته هنری از نوع تجسمی را ورای این کمالی نیست.

پاره‌هایی از این پژوهش پیشتر به تفاریق در مجلات علمی - پژوهشی و یا به تطویل در جزئیات در بعضی از پژوهشهای نگارنده منتشر شده است؛ حال با آرایشی کاملاً نو و طرحی کامل، بیان می‌شود و هدف از آن نیز توشه و مایه رساندن اندکی به علاقه‌مندان آموزش هنر در ایران است و شکیبایی خوانندگان در برخورد با خطاها و لغزشها بار متی خواهد بود بر گردن نگارنده. از دختر نازنینم پوپک که در حقم یاری کرد و آرایش حرفی و تصویری کار را انجام داد، ممنونم. از معاونت پژوهشی دانشگاه تهران که نخستین بار زیر بال این طرح پژوهشی را گرفت، سپاس دارم؛ و منت لطف کارکنان انتشارات فرهنگستان هنر در انتشار نهایی این کتاب همواره بر گردن من خواهد بود.

یعقوب آژند

پاییز ۱۳۸۸

تهران